

آینده علوم سیاسی در ایران از نظر تا واقعیت

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره پنجم
- تابستان ۹۳

آینده علوم سیاسی
در ایران
از نظر تا واقعیت
(۲۹ تا ۴۲)

محمد رحیم عیوضی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۶/۱۳

چکیده

علم سیاست از جمله علوم است که عمر و قدمتی همپای آموزش عالی کشور دارد. امروزه در جامعه علمی جهان، علم سیاست از جمله علوم است که کنشگران آن نقش مهم در شناسایی خط‌مشی‌ها، اتخاذ تصمیم‌ها و حرکت برای نیل به آینده مطلوب کشورها دارند. با توجه به این اهمیت، بررسی آینده علوم سیاسی در ایران از این حیث که می‌تواند بر معماری این حوزه علمی دیرپا جهت دستیابی به مطلوب‌ها در آینده کمک کند، گامی مهم در جهت توسعه علم سیاست در کشور است. با توجه به این مهم در این مقاله تلاش شده است با روشی توصیفی تحلیلی به این سؤال که علوم سیاسی در ایران چه آینده‌ای دارد؟ پاسخ داده شود. برای پاسخ به این پرسش از رویکرد آینده‌پژوهی استفاده شده است. برای این منظور ابتدا خاستگاه مشترک آینده‌پژوهی و علوم سیاسی بررسی شده است. سپس بر اساس شناسایی مهم‌ترین عدم قطعیت‌ها آینده‌های بدیل پیش روی علوم سیاسی در ایران ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی:

آینده‌پژوهی، علوم سیاسی، پیشران‌ها، راهبرد، سند چشم‌انداز

* استاد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). ra.eivazi@yahoo.com

مقدمه

دستیابی به آینده مطلوب یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های عالمان علم سیاست است. از بدو پیدایش نخستین نمودهای خردورزی و بینش سیاسی در یونان باستان تاکنون، سوق دادن جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های سیاست‌پژوهان و سیاست‌گذاران بوده است؛ بنابراین آینده امری است که انسان می‌تواند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهد. آدمی برای آنکه عاقلانه عمل کند، باید از پیامدهای اقدامات خود، دیگران و واکنش‌های آنان و همچنین از نیروهایی که خارج از کنترل اوست، آگاهی و شناخت کافی داشته باشد که این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می‌دهند. به منظور مطالعه این موضوعات، رشته جدیدی پدید آمد که هدفش مطالعه منظم و نظام‌دار آینده است؛ این رشته به نام‌های مختلفی همچون مطالعات آینده، قلمرو آینده، تحقیقات درباره آینده، آینده‌پژوهی، و یا آینده‌نگری نامیده می‌شود و متخصصان آن نیز آینده‌پژوه نامیده می‌شوند. انقلاب اسلامی تحول بنیادینی در نگرش به آینده را به وجود آورده است، از آن جمله هدایت جامعه علمی نسبت به اهمیت علوم سیاسی و نقش بنیادین و بی‌بدیل در توسعه علمی آینده و تأثیر آن بر اهداف راهبردی جمهوری اسلامی در جهت تحقق افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌باشد. پرداختن به پیش‌بینی و اندیشه درباره آینده علوم سیاسی و آسیب‌شناسی آن و نیز تلاش جهت از میان برداشتن موانع و آسیب‌ها، و تجهیز فرصت‌های موجود به منظور توسعه و تولید علوم سیاسی مناسب با تحولات آینده و نیازهای بومی، موضوعی ضروری و حائز اهمیت می‌باشد. بر همین اساس در این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی ابتدا به تعریف آینده‌پژوهی می‌پردازیم و در ادامه، رابطه این علم را با علوم سیاسی بررسی می‌نماییم تا با استفاده از این تعاریف به آسیب‌های پیش روی آینده‌پژوهی علوم سیاسی بپردازیم. در انتها راهبردهای ارتقای حوزه آینده‌پژوهی علوم سیاسی را با توجه به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کنیم.

۱. آینده‌پژوهی

اشتیاق بشر برای آگاهی از آینده، سابقه‌ای به اندازه عمر بشر دارد؛ برای مثال پیشگویان و کاهنان همواره تلاش داشتند به نحوی پاسخگوی این اشتیاق در نزد خاص و عام باشند. اگرچه همیشه «آینده‌پژوهانی» وجود داشته‌اند که به آینده و شیوه‌های بهتر درک تغییر می‌اندیشیده‌اند، ولی زمان شکل‌گیری رشته «آینده‌پژوهی» که ماهیتی کاملاً میان رشته‌ای دارد، در خلال جنگ جهانی دوم و دوران پس از آن بود؛ آینده‌پژوهی از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و به عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم، پایه‌ریزی شد. (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۳) به

تعبیر و ندل بل، آینده پژوهی به دنبال مطالعه نظام مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده های ممکن، محتمل و مطلوب است. آینده پژوهی انتخاب های مختلفی را راجع به آینده روی افراد و سازمان ها قرار می دهد و در انتخاب و پی ریزی مطلوب ترین آینده به آنان کمک می کند. (Bell, 2003, 73) یکی از مهم ترین مفروضات آینده پژوهی نگاه طیفی و کثرت گرا به آینده است. به عبارت روشن تر، در آینده پژوهی تنها با یک آینده متعین رو به رو نیستیم، بلکه همواره طیفی از آینده ها پیش روی سیاست پژوه و سیاستگذار وجود دارد. آینده پژوهان با ارائه توصیف ها و تجویزهایی در خصوص آینده، شرایطی را مهیا می کنند که بتوان از طیف آینده های بدیلی که پیش رو قرار دارند، یکی را انتخاب کرد، این انتخاب زمینه رفتار کنشگرانه و پیش دستانه را فراهم می کند؛ اما مبنای این انتخاب داشتن تصویری از آینده است. به باور ارسطو، تا هنگامی که تصور آینده روشن نشود، طبیعت حکومت کمال مطلوب نیز ناشناخته خواهد ماند. (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۳۸)

اهمیت تصویر آینده به حدی است که آینده پژوهانی چون جیمزدیتور و فردپلاک مدعی هستند تصویر آینده سنگ بنای آینده پژوهی است و در صورتی که سازمان، ملت و تمدنی تصویری از آینده نداشته باشد، محکوم به شکست است. (Dator, 2002, 10) در سال ۱۹۹۹ طرحی بی سابقه از سوی فدراسیون جهانی آینده پژوهی به اجرا درآمد و طی آن از گروهی از اندیشمندان فعال در عرصه آینده پژوهی دعوت شد تا علاوه بر تعریف استانداردهای حرفه ای آینده پژوهی، مشخص کنند چه کسانی را می توان آینده پژوه نامید. در این کوشش، آینده پژوهان مشهوری مانند «وندل بل» و «ریچارد اسلاوتر» مشارکت داشتند. مطابق نظر شرکت کنندگان در این برنامه پژوهشی آینده پژوهی عبارت است از توانایی ایجاد و حفظ یک چشم انداز جامع و علمی از آینده و استفاده از این چشم انداز برای اتخاذ برنامه های مفید در حوزه های مورد نظر. (اسلاوتر و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲) در این مقاله سعی خواهیم داشت در پرتو نگاهی آینده پژوهانه، آینده پژوهی علوم سیاسی را در ایران بررسی کرده و آسیب های آن را شناسایی نماییم.

۲. علوم سیاسی در ایران

در حالی که تا قبل از سده نوزدهم واژه «سیاست» کاربرد بیشتری داشت، با اوج گرفتن مکتب اثبات گرایی، واژه «علوم سیاسی» رواج بیشتری پیدا کرد. در حقیقت، تأکید بر «علم» بودن سیاست، و همچنین سرایت دادن روش های علوم تجربی به علوم اجتماعی، نوع نگاه به این مجموعه علوم را تغییر داد و «علوم سیاسی» مجموعه ای از علوم مربوط به سیاست را با محوریت واحدی گرد هم آورده است. اصطلاح «علوم سیاسی» در اروپای

قاره‌ای زودتر از انگلستان کاربرد پیدا کرد. هنوز هم در بسیاری از دانشگاه‌های بریتانیا از واژه «government» برای این رشته استفاده می‌شود. (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۴)

علم سیاست در ایران از بدو تأسیس تا به امروز سه دوره را پشت سر گذاشته است: **دوره اول:** آغاز ورود علم سیاست به ایران در سال ۱۲۷۷ شمسی که به تأسیس مدرسه علوم سیاسی باز می‌گردد. هدف این مدرسه جنبه کاربردی داشت؛ و بنیان‌گذاران آن در پی پرورش نیروی انسانی به‌منظور اشتغال در دستگاه وزارت امور خارجه بودند. به همین دلیل تا سال ۱۳۰۵ مدرسه، جزئی از وزارت خارجه بود و محتوای دروس آن را اغلب سیاست خارجی، آموزش دیپلماسی و حقوق بین‌الملل تشکیل می‌داد؛ و از آموزش مسائل مربوط به حکومت و سیاست ایران خبری نبود. با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و بر سر کار آمدن رضاخان فعالیت مدرسه متوقف شد؛ و بعد از مدتی در سال ۱۳۰۵ مدرسه علوم سیاسی از وزارت خارجه جدا و با مدرسه عالی حقوق ادغام گردید و در سال ۱۳۱۳ با تأسیس دانشگاه تهران همراه با مدرسه عالی تجارت، جای خود را به دانشکده حقوق و علوم سیاسی داد. ویژگی‌های علم سیاست در دوره اول عبارت است از: گرایش‌های محافظه‌کارانه، پرهیز از تحلیل مسائل سیاسی، غلبه رویکرد حقوقی در مطالعات سیاسی، گرایش به سمت ترجمه آثار خارجی، و گریز از پرداختن به مسائل سیاسی ایران و فرهنگ خودی.

دوره دوم: در این دوره سه رویداد مهم توانست موجب بهبود نسبی وضعیت علم سیاست گردد: رهایی علوم سیاسی در دانشگاه تهران از سلطه رشته حقوق، خارج شدن رشته علم سیاست از انحصار دانشگاه تهران، و تقویت روش‌های جامعه‌شناختی به جای رویکرد حقوقی. (باوی، ۱۳۷۷: ۳۳)

دوره سوم: با توجه به سیری که علم سیاست در ایران داشته است و با وقوع انقلاب اسلامی، نوع نگرش به مسائل سیاسی متفاوت شده و حساسیت به این رشته جلوه بیشتری یافته است.

ماهیت میان‌رشته‌ای علوم سیاسی

همان‌طور که اشاره شد، واژه «علوم سیاسی» با اوج گرفتن مکتب اثبات‌گرایی، رواج بیشتری پیدا کرد. در حقیقت، تأکید بر «علم» بودن سیاست و همچنین سرایت دادن روش‌های علوم تجربی به علوم اجتماعی، نوع نگاه به این مجموعه علوم را تغییر داد. آلن بیرو دانش سیاست را شامل رشته‌های گوناگون علوم سیاسی از جمله تاریخ سیاسی، مطالعه عقاید سیاسی، اندیشه‌ها و نهادهای سیاسی، حقوق اساسی و روابط بین‌الملل می‌داند. موریس دوورژه معتقد است اصطلاح «علم سیاست» در بین سال‌های ۱۸۵۹ و ۱۸۷۲ به جای

«فلسفه سیاست» نشست و قبل از جنگ جهانی دوم در دانشگاه‌های اروپا وارد شد. (دوورژه،

۱۳۶۲: ۴۰)

سیاست متعالیه

- سال دوم
 - شماره پنجم
 - تابستان ۹۳
- آینده علوم سیاسی
در ایران
از نظر تا واقعیت
(۲۹ تا ۴۲)

ماهیت علوم سیاسی از همان آغاز شکل‌گیری آن در اواخر قرن نوزدهم و توسعه دانشگاه‌ها مورد نزاع و بحث بوده است. دامنه این نزاع، دانشمندان امروز سیاسی آمریکا و اروپا را نیز درگیر این پرسش کرده است که حداقل صلاحیت حرفه‌ای در علم سیاست چیست؟ نتیجه منازعات مذکور ناکامی در اتخاذ پارادایم واحدی برای چارچوب پژوهش‌های علوم سیاسی بوده است. (Laitin, 1995, 456) ماهیت علوم سیاسی مانند موضوعات آن عمیقاً ارزش‌بار، اختلاف‌برانگیز و مهم‌تر از همه سیاسی است. (های، ۱۳۸۵: ۱۱۱) به تعبیر هیوود در علم سیاست، خود مفاهیم دستخوش مباحثات و مجادلات فکری و ایدئولوژیک است. (هیوود، ۱۳۸۳: ۲۱) اگر آثار برخی از متعهدترین نویسندگان علوم سیاسی بررسی شود، به سرعت روشن می‌شود که حتی در بین این نویسندگان نیز در باب مفاهیم و روش‌هایی که امروز به کار گرفته می‌شود، یا در خصوص نظریه‌هایی که بتوان فرض کرد قطعاً تثبیت شده‌اند، توافق و اجماع وجود ندارد. (تانس، ۱۳۸۱: ۵۱) در شرایطی که برخی از متفکران از تحول تاریخی مفهوم سیاست سخن گفته و از برداشت‌های واقع‌گرایانه، فلسفی و اخلاقی و مدرن نام می‌برند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۷۵) و پژوهشگرانی چون آلموند و کلمن استدلال می‌کنند که باید به جای دولت از نظام سیاسی، به جای قدرت‌ها از کارکردها، به جای مقامات از نقش‌ها، به جای نهادها از ساختارها، به جای افکار عمومی از فرهنگ سیاسی و به جای ساختار شهروندی از اجتماعی شدن سیاسی استفاده کرد. (تانس، ۱۳۸۱: ۶۳) عده‌ای از پژوهشگران فرانسوی معتقدند اساساً علم سیاست به صورت مفرد وجود ندارد، همه علوم اجتماعی که با کارهای جامعه سازمان یافته بشری سروکار دارند با نام علوم سیاسی خوانده می‌شوند. (عالم، ۱۳۷۳: ۲۶) پروفیسور منو موضوع علم سیاست را گسترده‌تر از جوامع خاص و دوران معین از زندگی بشر دانسته و مسائل سیاسی و نبرد سیاسی را مبتنی بر اصولی دانسته است که از علوم و پدیده‌های مختلفی مانند علم جمعیت، عوامل جغرافیایی، ایدئولوژی‌ها، پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناسی و سایر علل اجتماعی تغذیه می‌کند، (علومی، ۱۳۴۸: ۲۱) اصولی که ناگزیر میان رشته‌ای هستند. در واقع موضوع همه علوم انسانی جلوه‌ای از حیات انسانی و اجتماعی است. (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۰۴) مرزهای مشترک و مبهم علوم سیاسی با دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی، خود موجب پدیدآمدن حوزه‌های بین‌رشته‌ای فراوانی در تحول علم سیاست شده است. واژه میان‌رشته‌ای چنان‌که از مقدمات نظری آن بر می‌آید، دربردارنده یک عرصه شناختی (همگرایی و ادغام رشته‌ای) و هم بعد عملی (همکاری) است؛ در عرصه شناختی علوم سیاسی نه تنها با دیگر

رشته‌های علوم اجتماعی در می‌آمیزد که برخی از پژوهشگران از امکان ترکیب آن با رشته‌های علوم طبیعی نیز سخن گفته‌اند. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۵۲) علوم سیاسی به عنوان یک پروژه میان‌رشته‌ای می‌تواند دانشجویان و پژوهشگران این حوزه را برای روبه‌رو شدن با پدیده انفجار دانش و اطلاعات و بحران‌ها آماده نماید؛ شاید تنها در این صورت مواجهه مناسب و متعادلی با منابع سه‌گانه هدف‌های آموزشی علوم سیاسی تحقق خواهد یافت. (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

علم سیاست، علمی است که به تحلیل، ارزیابی و بررسی جنبه‌های سیاسی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد. علم سیاست هر پدیده اجتماعی را که به وقوع می‌پیوندد از نظر سیاسی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. در جوامع انسانی، خواه در سطح کشور، منطقه و جهان، همه روز اتفاق‌ها و رویدادهای گوناگونی صورت می‌گیرد. شماری از این اتفاق‌ها هر چند با هم بیگانه و غریب معلوم می‌شوند، اما کاملاً با هم پیوسته و نزدیک هستند. علم سیاست، روابط این پدیده‌ها را از منظر سیاسی تحلیل می‌کند. این تحلیل و بررسی به ما کمک می‌کند تا جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم بهتر بشناسیم و از میان شقوق گونه‌گون پیش‌روی خویش، بهترین را انتخاب کنیم و در نهایت بر تغییرات کوچک و بزرگ که در زندگی ما رخ می‌دهد، تأثیرات بیشتر داشته باشیم.

تأکید بر علوم سیاسی به عنوان ماهیتی میان‌رشته‌ای، ظرفیت فوق‌العاده‌ای را برای توسعه و قابلیت آن فراهم می‌آورد. در این میان یکی از موضوعاتی که در دهه اخیر توجه قابل ملاحظه‌ای به آن شده است و یکی از مهم‌ترین موضوعات علوم سیاسی که آینده روابط میان دولت‌ها، مسائل سیاست بین‌الملل و روابط اجتماعی شهروند سیاسی را به خود اختصاص داده است دربرمی‌گیرد آینده‌پژوهی است و از تلفیق این دو رشته که هر کدام ماهیتی میان‌رشته‌ای برخوردار هستند و حتی برخی آینده‌پژوهان ظرفیت آینده‌پژوهی را فرا رشته‌ای می‌دانند به توسعه موضوعی و روشی علم سیاست کمک نماید. در واقع از آنجا که این علم از ماهیتی فرارشته‌ای نیز برخوردار است؛ لذا می‌تواند ظرفیت‌های معرفت‌شناسی علوم سیاسی نسبت به دیگر رشته‌های علوم اجتماعی مرتبط با علوم سیاسی را ارتقا بخشد و به گونه‌ای به بهترین شکل ممکن اهداف و منافع مورد نظر در حوزه سیاست را جامعیت بخشد.

۳. آینده‌پژوهی علوم سیاسی

از بدو پیدایش نخستین اندیشه‌ها و نظریه‌های سیاسی، تصویرپردازی در خصوص آینده به منظور خروج از وضع موجود و نیل به وضع مطلوب، همواره مورد توجه فیلسوفان

سیاسی بوده است. (Lombardo, 2010) به اعتقاد توماس اسپریگنز، آرمان شهر تجسم عالم و نظریه پرداز علم سیاست از جامعه بازسازی شده است و نمایانگر آینده است. وی تأکید می‌کند که نظریه پرداز علم سیاست آزاد نیست که در تصورات شیرین غرق شود، به عبارت روشن‌تر، این آینده‌اندیشی از جنس خیال‌پردازی و رؤیاگرایی نیست، بلکه به شدت با واقعیت مرتبط است. تصویر آینده باید فرافکنی امکانات واقعی و قابلیت‌های حقیقی زندگی انسانی باشد، یعنی بر زندگی واقعی افراد در جامعه استوار باشد. (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۱۴۳) هارولد لاسول، از پیشگامان علم سیاست ضرورت تصویرپردازی در حوزه علوم سیاسی را به منزله گامی مهم در دستیابی به آینده مطلوب مطرح کرد. او برای پیشبرد مقصود خود یعنی آمیختن علوم سیاسی با آینده‌پژوهی، پنج شرط زیر را در نظر گرفت: (Bell, 2003, 49)

۱. شفاف‌سازی اهداف و ارزش‌ها؛

۲. توصیف روندها؛

۳. تبیین شرایط؛

۴. تصویرپردازی آینده‌های ممکن و محتمل در صورت تداوم سیاست‌های کنونی؛

۵. ابداع، ارزیابی و انتخاب گزینه‌های بدیل خط‌مشی.

«علم سیاست» ماهیتی آینده‌اندیش و آینده‌نگر دارد. به باور لاسول، تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری مقوله‌ای آینده‌نگر است، تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری مستلزم بر ساختن تصاویری از واقعیت‌های بدیل و سپس انتخاب یکی از تصاویر به منزله تصویر مطلوب است. از همین رو، بسیاری از آینده‌پژوهان از قبیل وندل‌بل در بررسی ریشه‌های شکل‌گیری و تحول آینده‌پژوهی به مثابه علم، نقش علوم سیاسی و آموزه‌های این علم را پررنگ می‌دانند. (Bell, 2003, 51) آینده‌پژوهی بستر مناسبی را برای ساختن و خلق تصویر آینده مطلوب در مطالعات علوم سیاسی فراهم نموده و همواره ذهن محقق علوم سیاسی را به آینده و گذار از وضع موجود معطوف می‌کند. علوم سیاسی در بستر یک تغییر پارادایمی حرکت می‌کند که باعث می‌شود این علم هر چه بیشتر تابع کار آینده‌پژوهان قرار گیرد. در ادبیات علوم سیاسی، مطالعات امنیتی - دفاعی و مطالعات استراتژیک از مفهوم تخمین و پیش‌بینی به وفور استفاده می‌شود. در اینجا پیش‌بینی معطوف به اندازه‌گیری و تخمین درجه احتمال وقوع حوادث در آینده، توسعه فعالیت‌ها، اهمیت‌یابی و نتایج آنها در آینده است. به سخن دیگر، موقعیت یا شرایط و استراتژی خود عبارت است از مجموع تصمیم‌هایی که با توجه به شرایط و رویدادهایی که ممکن است در آینده پیش آیند، گرفته می‌شوند. تعیین استراتژی یعنی: آنچه ممکن است در آینده روی دهد را پیش‌بینی کنیم، هر شرایطی را که

احتمال دارد با آنها روبه‌رو شویم مشخص سازیم و تصمیمی که باید در هر یک از این شرایط گرفته شود از آن میان برگزینیم. (پی‌یرماسه، ۱۳۴۷: ۶)

۴. پیشران‌های علوم سیاسی در ایران

پیشران^۱ ناظر بر شناسایی رویدادها، روندها و عواملی است که در پیشبرد و عدم پیشبرد اهداف تعیین شده برای یک حوزه مؤثر هستند. در ادامه مهم‌ترین پیشران‌های علوم سیاسی در ایران بررسی شده است که این پیشران‌ها بر حسب تجربه شخصی نگارنده - که حاصل دو دهه تدریس در این حوزه است - و نیز تعامل با متخصصان این حوزه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها و سخنرانی‌های تخصصی است، فراهم شده است.

الف) به‌کارگیری راهبردی جامع برای پیشبرد علم سیاست

تصویر بزرگ^۲ و کلان که در هر قلمرو علمی به دست داده می‌شود در علوم سیاسی ایران شکل نگرفته است. به عبارت روشن‌تر، این علم، مانند سایر علوم وارداتی است و جامعه علمی شکل گرفته پیرامون این علم در ایران نکوشیده‌اند که نقشه راهی برای توسعه و پیشبرد این علم با توجه به نیازهای محلی و تحولات جهانی طراحی کنند. به نظر می‌رسد جایگاه علوم سیاسی به شکل دقیق مشخص نیست؛ و بنابراین نمی‌دانیم در برنامه درازمدت، میان مدت و کوتاه مدت باید به چه اهداف مشخصی دست یابیم. ما نیازمند راهبردی جامع در دانش سیاسی هستیم، به شکلی که هر دولتی بر سر کار آید، فارغ از سلايق سیاسی خاص، آن راهبرد را دنبال کند، و این اصل که در مسائل سیاسی باید از آینده‌نگری و تلفیقی از سیاست و آینده در تمامی محورهای اندیشه راهبردی استفاده نمود مشخص شود.

ب) تعامل علوم سیاسی با جامعه

بین پیشرفت علوم سیاسی و میزان همکاری متخصصان این حوزه معرفتی با جامعه ارتباط مستقیم وجود دارد. بدون علت نیست که نطق‌های رؤسای جمهور کشورهای پیشرفته توسط چند صد اندیشمند کنترل می‌شود؛ از این رو به میزانی که تعامل متخصصان علوم سیاسی به بخش‌های مختلف جامعه توسعه پیدا می‌کند به همان میزان نیز شاهد پیشرفت این علم در جامعه ایران خواهیم بود. در حال حاضر فاصله بسیار زیادی میان متخصصان علوم سیاسی و جامعه هستیم. در خوشبینانه‌ترین حالت متخصصان این حوزه در

1. Driving Force
2. Big Picture

مؤسسات پژوهشی مرتبط مشغول به کار هستند؛ اما نکته مهم آن است که عمده تلاش آنها مصروف پاسخگویی به مسائل انتزاعی و فلسفی است تا مسائل انضمامی و عینی جامعه.

ج) بومی‌سازی

مقصود از «بومی‌سازی» در اینجا عبارت است از انطباق علوم مربوط به دنیای متجدد با شرایط خاص ایران اسلامی است. اهمیت این نکته زمانی بیش از پیش آشکار می‌شود که علم سیاست از حیث تاریخی، علمی کاملاً وارداتی است و از غرب وارد کشور شده است. در آغاز تعلیم این علم برنامه آموزشی، سرفصل‌ها، اساتید و محتوای آموزشی کاملاً غربی بود. در ادامه نیز دانش‌آموختگان این علم که عموماً از کشورهای غربی آمده بودند در تلاش برای حفظ دستاوردهای جهانی و غربی این علم گام بر می‌داشتند. مفروضات بومی‌سازی چند نکته است: اینکه علم منتزع و بریده شده از شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی ممکن یا نافع نیست، همچنین امکان تطبیق دانش بر شرایط خاص وجود دارد. با توجه به این موضوع که علوم سیاسی خاستگاهی در غرب دارند و با توجه به ماهیت اسلامی ایرانی کشورمان، باید توجه داشت که شیوه انطباق این اصول بر عهده اندیشمندان این حوزه است تا در شرایط کنونی انقلاب اسلامی بتوان بیشترین بهره را از علومی که در دنیای مدرن امروز نقش قابل توجهی دارند استفاده نمود.

د) درک عمیق مطالعات بین‌رشته‌ای

یکی از تفاوت‌های دانش در جهان اول و جهان سوم این است که دانشگاه‌های کشورهای دسته نخست بر مطالعات بین‌رشته‌ای تأکید دارد، چون ماهیت علم را بین‌ذهنی تلقی می‌کنند و بر کارهای گروهی تمرکز می‌نمایند. (حقیقت، ۱۳۷۰: ۷۰) امروزه علوم مختلف نمی‌توانند ارتباط خود با سایر علوم را نادیده بگیرند، چرا که مرزها تا اندازه زیادی در هم شکسته شده است؛ به طور مثال سیاست با اقتصاد سیاسی، حقوق سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و آینده‌پژوهی سیاسی پیوند وثیقی دارد. از این منظر باید توجه داشت که در عصر حاضر و برای ارتقای دانش باید به عمق مطالعات بین‌رشته‌ای توجه داشت؛ از همین رو در آموزش علوم سیاسی باید تدبیری اتخاذ شود تا دانشجوی این حوزه ضمن آشنایی با علم سیاست با سایر علوم مرتبط با تحلیل‌های سیاسی نیز آشنایی پیدا کند.

۵. راهبردهای توسعه علوم سیاست

با توجه به رویکرد آینده‌پژوهی در این مقاله، با شناخت آسیب‌های موجود در این حوزه، راهبردهایی را برای ارتقای جایگاه علوم سیاسی در آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد. در زیر برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

سیاست متعالیه

- سال دوم
 - شماره پنجم
 - تابستان ۹۳
- آینده علوم سیاسی
در ایران
از نظر تا واقعیت
(۲۹ تا ۴۲)

الف) تحول شالوده شکنانه در عرصه علوم سیاسی

از منظر آینده پژوهی، چنانچه علوم سیاسی بخواهد در ایران کارآمد، خلاق و اثربخش باشد، قطعاً می‌باید ایدئولوژیک باشد. البته مراد از این امر ترک روش‌های علمی تحقیق و تولید علم نیست و نیز منظور این نیست که تمامی گزاره‌های علوم سیاسی ضرورتاً مبتنی بر آموزه‌های صریح ایدئولوژیک و به طور خاص و حیاتی باشد، بلکه مراد آن است که دانشمندان علوم سیاسی همچون علوم طبیعی، تلاش نکنند از فرضیات صرف آغاز و به تأییدات (و نه اثبات) فرضیه‌ها ختم نمایند، بلکه در تنظیم، عرضه و رد و اثبات فرضیه‌های خود به بایسته‌های ایران به عنوان کشوری مسلمان، با پیشینه تاریخی و تمدنی ویژه، اهداف ترسیم شده برای آینده آن و باورها و اعتقادات و ارزش‌های اسلامی به شدت گرایش نشان داده و راه‌حل‌های عالمانه خود را در این فضا برای حل مسائل و مشکلات کشور عرضه کنند؛ متأسفانه در عرضه مقالات و تحقیقات علوم انسانی مشاهده می‌شود که اگر محقق و پژوهشگری مطالب، کتاب و رساله خود را به اندیشمندان و نویسندگان و پژوهشگران غربی استناد کرده باشد، به عنوان سخن علمی بدان نگریده می‌شود و هرگاه نتایج تحقیق، برآیند کار فکری، عالمانه و مستدل خود او یا با ارجاع متون داخلی و به‌ویژه منابع اسلامی باشد، بدون توجه به محتوا، بر حسب سخن غیرعلمی و ایدئولوژیک دریافت می‌نماید و حائز اهمیت علمی تلقی نمی‌شود. بنابراین در این تحول شالوده‌شکنانه می‌باید علوم سیاسی با نگرشی منطبق بر تولید علم بر پایه اخلاق و معنویت تولید، آموزش و ترویج شوند.

ب) توجه به قطب‌های علمی علوم سیاسی

قطب علمی عبارت است از ساختاری که در آن پژوهش و توسعه فناوری مبتنی بر استانداردهای جهانی برحسب تولید دانش قابل اندازه‌گیری (مشمول بر فعالیت‌های آموزشی) و یا نوآوری فنی شکل می‌گیرد. در ایران به قطب‌های علمی در تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی توجه شد. بدیهی است که به منظور کاهش فاصله علمی ایران با دنیا به ایجاد قطب‌های علمی در رشته‌های علمی منتخب تأکید شد و در همان برنامه جزء راهکارهای برنامه به تصویب رسید و از سال ۱۳۷۹ بودجه‌ای برای آن اختصاص یافت و تشخیص اینکه کدام یک از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی می‌تواند وظیفه قطب علمی را به عهده بگیرد نیز به وزارت علوم واگذار شد. متأسفانه این قطب‌های علمی در دانشگاه‌ها به دلیل اینکه در آغاز با الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه شکل گرفته‌اند، اهداف آنها را نیز دنبال کرده‌اند. لذا به نظر می‌رسد با تجدید نظر اساسی در این روند می‌باید به سمت تأسیس قطب‌های بومی محور در علوم به‌ویژه علوم سیاسی و آینده‌پژوهی حرکت کرد.

ج) تدوین نقشه راه علوم سیاسی

رسیدن به اهداف و آرمان‌های علمی و فناوری موجود در سند چشم‌انداز بیست‌ساله بی‌گمان جز از طریق داشتن یک نقشه راه و پیمودن برنامه‌ریزی شده آن امکان‌پذیر نیست. بر همین اساس بود که مقام معظم رهبری که در سال‌های اخیر، علاوه بر تعیین سیاست‌های کلی عرصه علم و فرهنگ، در امر مدیریت راهبردی و کلان علمی نیز به درستی ورود نموده‌اند، در سخنانی فرمودند: «... باید علم‌گرایی و علم‌محوری به گفتمان مسلط جامعه در همه بخش‌ها تبدیل شود. در جهت رسیدن به هدف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، برای رسیدن به رتبه اول علمی کشور نقشه جامع علمی مهم‌ترین نیاز کشور است که باید با ترسیم آن و بر اساس زمان‌بندی و با راهبردی مشخص به سطوح بالای دانش روز و جهش علمی دست یابیم». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰)

نتیجه‌گیری

از آنجا که پیشرفت علم و فناوری از اصلی‌ترین عوامل ایجاد تغییرات اجتماعی، فرهنگی و فناوری محسوب می‌شوند، مطالعات آینده‌پژوهی با بهره‌گیری از دانش متخصصان و ترغیب بخش‌های وسیعی از جامعه برای مشارکت در تفکر گروهی، زمینه مناسبی را برای تعیین اولویت‌ها و سازوکارهای لازم ایجاد می‌کنند.

انقلاب اسلامی، بروز تغییرات و تحولات اساسی را در مناسبات سیاسی فراهم نمود، بازتاب انقلاب در داخل و خارج موجب شد تا دستاوردها و اهداف انقلاب بر روندهای موجود تأثیرگذار باشد. در این راستا برای رسیدن به اهداف طراحی شده در آینده باید به دستاوردهای حاصل در بستر مطالعات دانشگاهی اهمیت بیشتری داد و با آسیب‌شناسی این رشته‌ها در پی اصلاح الگو و تصحیح ساختارها برآمد، تا با ارائه راهبردهایی در این زمینه به مهم‌ترین اهداف مورد نظر که در اینجا اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است دست یابیم.

در این مقاله سعی شد بعد از تعریف دانش آینده‌پژوهی و علوم سیاسی و سیر این رشته در جمهوری اسلامی ایران و بعد از انقلاب، به ارتباط میان این دو رشته بر ماهیت میان‌رشته‌ای آنها تأکید شده و به میزان اهمیت تلفیق این دو رشته و به کارگیری روندهای حاصل از شیوه‌های موجود در رویکردهای حاصل از آنها برای ارائه راهبردهای کارکردی اشاره گردد.

در ادامه، آسیب‌شناسی موجود در ایران در خصوص رشته آینده‌پژوهی علوم سیاسی و غیربومی بودن این رشته از طرفی و دوری مراکز دانشگاهی از مسئولان اجرایی از طرف دیگر مورد توجه قرار گرفت، و در انتها راهبردهایی ارائه شد که می‌تواند به کشور در

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره پنجم
- تابستان ۹۳

آینده علوم سیاسی
در ایران
از نظر تا واقعیت
(۲۹ تا ۴۲)

زمینه پیشبرد اهداف سند چشم‌انداز با توجه به کاربرد آینده‌پژوهی علوم سیاسی در ابعاد مختلف و با بررسی روندهای کنونی به پیش‌بینی بهترین وضعیت در آینده نایل شود. در پایان، برای روشن‌تر شدن موضوع چند پیشنهاد در این حوزه بیان می‌شود:

گسترش و تعمیق پژوهش‌های علمی به ویژه آینده‌پژوهی؛

گسترش تعامل متخصصان علوم سیاسی و جامعه؛

گسترش ارتباطات بین‌المللی به منظور روزآمدسازی تحولات مفهومی و نظری در

حوزه علوم سیاسی؛

تمرکز بر ترکیبی از رویکرد انتزاعی و انضمامی به علم سیاست در کشور؛

تأسیس مراکز تربیت اندیشمند در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف علمی؛

بسط و گسترش مراکز آموزشی و پژوهشی بومی محور؛

طراحی الگوی کاربردی کردن یافته‌های پژوهشی؛

حمایت و بزرگداشت محققان، پیشکسوتان و اندیشمندان حوزه آینده‌پژوهی و علوم

سیاسی؛

ایجاد باشگاه‌ها و انجمن‌های مختلف میان اعضای جامعه علمی، دانش‌آموختگان و

کنشگران علوم سیاسی در کشور؛

ایجاد کرسی‌های نظری تخصصی برای پیشبرد اهداف علوم سیاسی در کشور؛

طراحی نقشه راه علوم سیاسی در کشور؛

انتشار مجلات تخصصی به زبان‌های غیرفارسی جهت معرفی جامعه علمی علوم سیاسی

ایران در عرصه بین‌المللی؛

برپایی همایش‌های تخصصی به منظور فهم و تبیین ارتباطات میان‌رشته‌ای علوم سیاسی

و سایر رشته‌ها از قبیل علوم شناختی، آینده‌پژوهی، مطالعات فرهنگی و ...؛

توجه به بازار کار و اشتغال دانش‌آموختگان به منظور طراحی سرفصل‌ها و برنامه‌های

آموزشی علوم سیاسی در ایران؛

جذب اساتید، پژوهشگران و دانشجویان غیرایرانی در مقاطع تحصیلات تکمیلی به

منظور تسهیم و انتقال دانش از خارج به داخل و بالعکس.

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره پنجم
- تابستان ۹۳

آینده علوم سیاسی
در ایران
از نظر تا واقعیت
(۲۹ تا ۴۲)

۱. ارسطو (۱۳۷۱)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲. اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰)، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، آگه.
۳. اسلاتر، ریچارد، همکاران (۱۳۸۶)، نواندیشی برای هزاره نوین؛ مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی، ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری، تهران: نگاه معاصر.
۵. پی‌یر، ماسه (۱۳۴۷)، چند مقاله درباره دورنگری، ترجمه امیرحسین جهانگللو، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۶. تانسی، استیون (۱۳۸۱)، مقدمات سیاست، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، نشر نی.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، بیانات در جمع نخبگان.
۸. دوورژه، موریس (۱۳۶۲)، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، تهران، امیرکبیر.
۹. دیوید، مارش، جری، استوکر (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، مطالعات راهبردی.
۱۰. عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
۱۱. علوی، رضا (۱۳۴۸)، اصول علم سیاسی، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
۱۲. های، کالین (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران، نشر نی.
۱۳. هیوود، اندرو (۱۳۸۳)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران، قومس.
۱۴. احمدی، پروین (۱۳۸۸)، «برنامه درسی میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، ش ۳.
۱۵. باوی، محمد (۱۳۷۷)، «وضعیت رشته علوم سیاسی در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، ش ۳.
۱۶. پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، «گذار از حصارهای شیشه‌ای معرفت‌شناسی با تأکید بر الزامات زبان‌شناختی علوم میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، ش ۱.
۱۷. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸)، «میان‌رشته‌ای در علوم سیاسی کانادا: مفهوم و اجرا»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم سیاسی، سال اول، ش ۲.
۱۸. حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱)، «آسیب‌شناسی رشته علوم سیاسی در ایران»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ش ۱۹.
۱۹. دی‌تور، جیمز (۱۳۷۷)، «آینده‌پژوهی به عنوان دانشی کاربردی»، ترجمه سیداحمد ابراهیمی و همکاران، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست و رهافت، ش ۲۰.
۲۰. عبوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸)، «آینده انقلاب اسلامی و منازعات آینده جهان»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ششم، ش ۱۸.

21. Laitin, David d(1995), Disciplining Political Science, American Political review 89, June.
22. Dator, James(ed) (2002), Futures Studies in Higher education: Advancing Futures, Wesport CT: Praeger.
23. Bell, Wendell (2003), Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge(Human Science for new era), London: Transaction Publishers.

فصلنامه
علمی
پژوهشی

مستقبل